

شگرد عجیب برای دزدی از مشتریان بانک فاش شد

حمله مسلحانه سارق حرفه‌ای به شاکی

حامد که قبل از این به اتهام سرقت کابل و سرقت‌های دیگر بازداشت شده بود، ادامه داد: مدتی است که با شگردی خاص اقدام به سرقت می‌کنم. من مقابل دستگاه‌های عابر بانک مخصوصاً در مناطق بالای شهر می‌ایستم و زاغ‌زنی افرادی را می‌کنم که از دستگاه‌های عابر بانک پول دریافت می‌کنند. کسی که پول زیادی از عابر بانک بگیرد را زیر نظر می‌گیرم و او را تعقیب می‌کنم. زمانی که مالباخته وارد کوچه یا خیابانی خلوت شد، از پشت سر به او نزدیک می‌شوم. بعد چاقو را پشت کمرش می‌گذارم و او را تهدید می‌کنم که هر چه پول نقد دارد به من بدهد وگرنه زنده نمی‌گذارم. آنها هم از ترس جان پول‌هایشان را در اختیار من می‌گذارند. بعد از گرفتن پول همان‌طور که پشت سرشان ایستاده بودم و به آنها اجازه نمی‌دادم که صورت‌ها را ببینند تهدیدشان می‌کردم که اگر سرشان را برگردانند، اتفاق بدی برایشان رخ می‌دهد. متهم سابقه دار ادامه داد: بعد هم فرار می‌کردم تا آنها نتوانند مرا شناسایی کنند. اگر مالباختگان چهره‌ام را می‌دیدند، قطعاً به چهره‌نگاری من می‌پرداختند و پلیس خیلی زود با کمک تصویر چهره‌نگاری، به خاطر سابقه دار بودنم می‌توانست هویت‌م را بر ملا کند. گاهی اوقات هم رمز عابر بانک‌ها را هنگام برداشت پول توسط صاحبان‌شان حفظ می‌کردم و به غیر از پول کارت‌های عابر بانک را هم سرقت می‌کردم. با آنها وسایل مورد نیازم را خریداری می‌کردم. متهم پس از اعتراف به جرایمش با قرار قانونی روانه زندان شد.



مغازه‌اش توسط من رابه او گفته است. وقتی این ماجرا را شنیدم سراغش رفتم تا به او درس عبرتی بدهم که دیگر از این کارها نکند. من قصد آسیب رساندن به او را نداشتم فقط با این کار می‌خواستم او را تنبیه کنم که دیگر سراغ پدرم نرود. او حق نداشت این کار را با پدرم بکند، اگر مشکلی داشت می‌توانست سراغ خودم بیاید و طلبش را بگیرد، اما جرات نکرد و سراغ پدرم رفت. من هم این کار را کردم که درس عبرتی برایش شود.

سارق جوان زمانی که فهمید یکی از شاکی‌هایش موضوع را به پدرش خبر داده و تصمیم دارد مبلغ دزدی رابه صورت قسطی از پدرش بگیرد با اسلحه به مغازه او رفت، اما خیلی زود توسط پلیس دستگیر شد. مدتی قبل مرد مغازه‌داری هراسان با پلیس تماس گرفت و از سارقی شکایت کرد که او را تهدید به مرگ کرده بود. مرد جوان گفت: حامد از بچه محل‌هایمان است و چند روز قبل زمانی که می‌خواستم مغازه‌ام را تعطیل کنم او سراغم آمد. آن روز متوجه نقشه‌ای که در سرش بود نشدم و کارت عابر بانکم را داخل کشوی مغازه گذاشتم و چون عجله داشتم همراه حامد از مغازه بیرون آمده و آنجا را تعطیل کردم، اما از شانس بدم دزدیده مغازه‌ام زود کارت عابر بانکم را که ۱۰ میلیون تومان داخل آن بود به سرقت برد. ابتدا نمی‌دانستم سارق مغازه‌ام چه کسی است اما زمانی که دوربین مداربسته مغازه را بازبینی کردم حامد را به عنوان دزد مغازه‌ام شناسایی کردم. او ادامه داد: وقتی از این ماجرا با خبر شدم، با خودم گفتم به رسم هم محلی بودن درست نیست که از حامد شکایت کنم. بهترین کار این است که به پدر حامد موضوع را بگویم و او از پسرش بخواهد که پول را به من برگرداند. همین کار را هم انجام دادم، اما پدر حامد گفت که صحبت‌های او هم پسرش را مجاب نمی‌کند تا پول‌ها را برگرداند. البته پسر مرد راست می‌گفت و حریف پسرش نمی‌شد. در نهایت هم قبول کرد که ماهی صد هزار تومان به من بدهد. با این که این مبلغ مشکل مرا حل نمی‌کرد، اما چیزی نگفتم و به احترام موی سفیدش قبول کردم. مرد مغازه دار گفت: نمی‌دانم چه کسی این ماجرا را به گوش حامد رساند که او در حالی که اسلحه‌ای به دست داشت سراغم آمد و مرا تهدید به مرگ کرد. حامد از این که من سراغ پدرش رفته بودم از من شاکی بود و تهدید کرد که اگر دوباره این کار را انجام دهم به زندگی من پایان خواهد داد.

صاحب مغازه - از بچه محل‌هایم است، چند وقت قبل او را مقابل دستگاه خودپرداز دیدم. وقتی داشت رمز کارت‌ش را می‌زد من از فرصت استفاده کردم و رمز کارت‌ش را به حافظه‌ام سپردم. بعد از آن دنبال فرصتی بودم تا کارت عابر بانکش را سرقت کنم. یک روز که به مغازه رفتم، او می‌خواست مغازه‌اش را تعطیل کند. یک‌دفعه دیدم که کارت عابر بانکش را داخل کشوی میزش گذاشت و آن را قفل کرد. آن زمان بهترین فرصت بود تا کارت را سرقت کنم. برای همین بعد از رفتن بهمن، وارد مغازه شدم و کارت عابر بانکش را سرقت کرده و با ده میلیون تومان وسیله خریداری کردم.

خفت‌گیری‌های سریالی

او ادامه داد: چند روز بعد به گوشم رسید که بهمن سراغ پدرم رفته و ماجرای سرقت از

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم

شرکت تعاونی مصرف کارکنان شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) شماره ثبت ۳۹۴۹۳۱

با توجه به عدم حصول حد نصاب قانونی جلسه مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۶ رسمیت پیدا نکرد، بدینوسیله از اعضاء محترم تعاونی فوق دعوت بعمل می‌آوریم تا در مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم که روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۱ رأس ساعت ۱۰ صبح در محل سالن همایش‌های مسافری شهر فرودگاهی امام خمینی (ره) تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:

- ایجاد تبصره در بند ۸ ماده ۳ اساسنامه
- تغییر روزنامه رسمی در اساسنامه

هیات مدیره تعاونی مصرف کارکنان فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

دستگیری در ساندویچی

با شکایت مرد جوان، بلافاصله مأموران وارد عمل شده و رد حامد را در مغازه ساندویچی در همان حوالی زدند. به این ترتیب آنها وارد عمل شده و حامد را در مغازه ساندویچی دستگیر کردند. مرد جوان در تحقیقات اولیه گفت: بهمن

آگهی مزایده شرکت زرین دام پایدار تدبیر

- فروش گوساله نر شیرخوار ۳۰ راس
- فروش گاوشیری غیر آبستن ۲۰ راس
- فروش کود حیوانی ۲۰۰۰ متر مکعب
- فروش تلیسه غیر آبستن ۱۰ راس

تاریخ ارسال مدارک شرکت در مزایده: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷

تاریخ مزایده: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸

آدرس: استان مرکزی - شهرستان زرنديه، کیلومتر ۱۵ جاده خشکرو

تلفن: ۰۹۱۲۵۶۲۲۲۵۹ - ۰۸۶۴۵۴۲۲۱۸۰